

سر مقاله

عذر تقصیر

مهندس جهانشاه صدیق^۱

اطلاع رسانی و پژوهش پیرامون موضوعات مرتبطی که قرار است به سمع و نظر مخاطب برسد به خودی خود آن اندازه مهم هست که نیازی به شرح و تفسیر و پرداختن به جوانب آن برای بیان اهمیت آن وجود نداشته باشد. از همین منظر اطلاع‌رسانی در خصوص تغییراتی که در زندگی عشایر در حال وقوع است به لحاظ ابعاد این تغییرات از نظر کمی و کیفی و تأثیرات عمیقی که در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، تاریخی، محلی و منطقه‌ای ایجاد می‌کند، بیش از پیش مهم است و هرگونه تأخیر و مسامحه در بیان وضعیتی که در پیش است و عدم اطلاع‌رسانی به کسانی که علاقه‌مند به این هستند که در جریان اوضاع و احوال تغییرات و تحولات جامعه عشایری قرار گیرند و به موقع نقش آفرینی کنند، مستوجب نکوهش و انتقاد است؛ آنچنان که متأسفانه علیرغم همه تلاشهایی که برای استمرار انتشار فصلنامه ذخایر انقلاب به کار گرفته شد، مع‌الوصف باز هم به دلیل مشکلات مالی و عدم تخصیص اعتبار لازم، بیش از دو سال دچار وقفه شدیم و از انتشار فصلنامه محروم ماندیم و این شد که در این مدت نتوانستیم تحولات قابل توجهی که در جامعه عشایری در حال شکل‌گیری است را از این طریق هم به اطلاع مخاطبین خود برسانیم و تبعاً از نظرات و دیدگاه‌های آنان هم در ارتباط با اصلاح یا تقویت روش‌هایی که در دست اجرا داریم هم محروم مانده‌ایم، اگرچه ارتباط ما با علاقه‌مندان جامعه عشایری صرفاً از طریق فصلنامه نیست و تلاش هم این است که سایر فرصت‌هایی را که بین ما و علاقه‌مندان به جامعه عشایری وجود دارد از دست ندهیم.

آنچه که لازم است مخاطبین جامعه عشایری اعم از دولتمردان، نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی، اساتید و دانشجویان رشته‌های علوم انسانی و مردم‌شناسی، همکاران در وزارت جهاد کشاورزی، مقامات وزارت کشور و سایر فرهیختگان و علاقه‌مندان به جامعه عشایری در

1- مدیرمسئول و رئیس سازمان امور عشایر ایران

خصوص تحولات اخیر جامعه عشایری مطلع باشند این است که به دلایل گوناگون، جامعه عشایری دچار تحولات بنیادی شده است؛ از جمله تصرفات صورت گرفته در عرصه‌های عشایری، کاهش سرانه دام، فقر مراتع، خشکسالی‌های پی در پی، تغییر الگوی مصرف در خانوارهای عشایری، تغییرات فرهنگی، افزایش قیمت تولید و کاهش درآمد. ضرورت افزایش شاخص‌های توسعه در عرصه‌های عشایری، اسباب این شده است که اتکای عشایر را صرفاً به شغل دامداری کمرنگ کند و دیگر نمی‌توان ادعا کرد که عشایر می‌توانند همانند ۵۰ سال پیش شکل کوچ خود را داشته باشند و فقط از طریق دامداری، هزینه زندگی خود را تأمین نمایند.

ضرورت ایجاد توسعه در جامعه عشایری، سازمان عشایر را که یک نهاد دولتی است، وادار به تدبیر و تدوین برنامه ساماندهی به زندگی عشایر نموده است؛ آنچنان که این سازمان در طول چهار برنامه گذشته، حدود ۴۰۰ کانون توسعه و اسکان را با همکاری خود عشایر به مرحله اجرا درآورده است (این که اقدامات صورت گرفته چقدر موفق بوده است و آیا کار انجام شده کاملاً موفق است یا نه و لیست نقاط قوت و ضعف برنامه ساماندهی عشایر در کانونهای توسعه و اسکان کدام است، شرح مفصلی را می‌طلبید که در وقت خود باید توضیح داده شود. البته این بررسی با تلاش و پیگیری سازمان امور عشایر صورت گرفته است و مدارک آن در سازمان موجود می‌باشد.) و این در حالی است که علاوه بر کانونهای گفته شده، عشایر به اعتبار محدودیت‌هایی که در کوچ برایشان به وجود آمده است، در بیش از یک هزار نقطه اسکان یافته‌اند که باید به لحاظ کمبودهایی که در این نقاط وجود دارد، اقداماتی در جهت توسعه و اصلاح این کانونهای خودجوش هم صورت بگیرد. (تعداد زیادی از این کانون‌های خودجوش که از حداقل امکانات برای تولید و ادامه زندگی برخوردار هستند مورد حمایت سازمان می‌باشد و پروژه‌هایی نیز در جهت قابل زیست کردن این کانون‌ها از طرف سازمان امور عشایر و بعضی از دستگاه‌های اجرایی کشور در حال اجرا است.) بیان این نکته نیز ضروری است که سازمان امور عشایر از فعالیتهای علمی و تحقیقاتی و مطالعاتی درباره اینکه برای توسعه زندگی عشایر چه باید کرد، هم به دور نیست. شاهد این ادعا هم تدوین برنامه راهبردی استانهای عشایری و تهیه اسناد این راهبردها در هر استان است که در قالب یک کتاب مربوط به هر استان تهیه شده است و البته سایر مستندات تحقیقاتی و مطالعاتی موجود را که در سالهای اخیر صورت گرفته است هم باید به آن افزود.

نکته‌ای که نباید ناگفته بماند اینکه سازمان امور عشایر ایران هرگز به اسکان دائم عشایر اصرار نداشته و ندارد، لیکن در مواردی که گریزی از اسکان نیست، اسکان مشروط به حفظ جایگاه تولیدی عشایرو با ایجاد فرصت‌های شغلی جدید و در عین حال توجه به شغل اصلی یعنی دامداری، مورد حمایت سازمان بوده و هست. با این وجود، کوچ هم همچنان جریان دارد، منتهی نه در حد و اندازه و شکل سابق خود، اما همچنان هست.

تحول مهمی که در دهه اخیر در زندگی عشایر شکل گرفته و به خوبی مشهود است، گرایش عشایر به مشاغلی غیر از دامداری است که به عنوان یک استراتژی جدید از طرف سازمان امور عشایر ایران ابلاغ شده است و زیرساخت‌های آن در مناطق عشایری دنبال می‌شود و در اختیار عشایر قرار می‌گیرد.

اتفاقی که افتاده این است که در حال حاضر در مناطق مختلفی از عرصه‌های عشایری در کنار دامداری، زراعت، باغداری، زنبورداری، پرورش ماهی، دامپروری، احداث گلخانه و مراکز دامپروری، توسعه صنایع دستی، توجه به جمع‌آوری و بسته‌بندی و عرضه گیاهان دارویی و مشاغل مشابه تبدیل به بخشی از فعالیت‌های عشایر شده است و اتفاقاً درآمد بسیار مناسبی هم از تنوعی که در اشتغال آنان به وجود آمده است به دست می‌آورند و خوشبختانه این نوع از فعالیت‌ها، انگیزه حضور و پایداری جوانان عشایری را هم تا حد قابل توجهی در مناطق عشایری فراهم آورده است.

هدف از توجه و پرداختن به مشاغلی غیر از دامداری، حذف دامداری از زندگی عشایر نیست چرا که اگر محور فعالیت‌های عشایر همچنان دامداری نباشد، از هم پاشیدن زندگی عشایری قطعی است. اما آنچنان که گفته شد تنها دامداری هم نمی‌تواند اسباب پایداری زندگی عشایری باشد و لذا توجه به بهره‌برداری از کلیه فرصت‌هایی که در عرصه‌های عشایری وجود دارد و به مواردی از آن به عنوان مشاغل جدید اشاره شد می‌تواند بیش از گذشته، ادامه این نوع از زندگی را تضمین نماید.

قطعاً هر دامدار عشایری هم نمی‌تواند در کنار دامداری همه مشاغل گفته شده را نیز داشته باشد. بدیهی است بنا به شرایط هر منطقه و امکاناتی که وجود دارد، هر دامدار عشایری در کنار دامداری می‌تواند یکی دو مورد از موارد گفته شده را هم تجربه کند و از آن مسیر کسب درآمد نماید و در تولید کشور موثر باشد.

آنچه گفته شد، مراحل آزمون و خطا را هم طی کرده است و در حال حاضر هر اتفاقی که در طول برنامه‌های گذشته در جامعه عشایری افتاده است، به نوعی جای خود را باز کرده و تثبیت شده است و در مواردی، درستی اتفاقاتی که افتاده است، هیچ شک و شبهه‌ای را به جای نگذاشته است و تغییر و تحولات در جامعه عشایری هم محدود به کلیاتی که در این نوشتار آمد، نمی‌باشد بلکه بسیار وسیع‌تر است و نیاز به بررسی و مطالعه و پژوهش و اظهار نظر دارد و در نهایت هم مواردی از آن باید تقویت و مورد حمایت دولت قرار گیرد و مواردی هم هست که باید اصلاح شود و یا حداقل تقویت نشود و مورد حمایت قرار نگیرد که همه این موارد مستلزم تعامل همه جانبه همه مراکز و مجامعی است که در کنار سازمان امور عشایر ایران دستی بر آتش دارند و باید نقش‌آفرینی کنند.

این سازمان ضمن عذر تقصیر، همچون گذشته، دست آنان را که به هر طریق با رهنمود و نظر مساعدت و معاضدت خود قصد شکوفایی جامعه عشایری را داشته باشند همچنان می‌فشارد و در خدمت آنان خواهد بود. امید آنکه به کمک هم بتوانیم قدم‌های دیگری را هم در جهت شکوفایی جامعه تولید کننده، کم‌معونه و بی‌ادعای کشورمان (عشایر عزیز و زحمت‌کش) برداریم.

انشاءالله